

بررسی کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین

کوروش غلامی کوتنایی^۱، مریم زنگانه^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱)

چکیده

پیاده‌روی اربعین، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آئین‌های مذهبی جهان تشیع، جلوه‌ای از وحدت، انسجام اجتماعی و تحقق ارزش‌های دینی را به نمایش می‌گذارد. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کارکردگرایی دورکیم، به بررسی کارکردهای اجتماعی این مراسم می‌پردازد. کارکرد انسجام بخش این آئین از طریق گردهمایی میلیون‌ها نفر از ملیت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف حول محور عشق و ارادت به امام حسین (علیه السلام) تبلور می‌یابد. انضباط بخشی آن در تربیت روحیه خویشتن‌داری، نظم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مشارکت‌کنندگان نمایان است. همچنین، این مراسم از طریق تقویت امید، معنا و باورهای دینی، کارکردی حیات‌بخش و خوشبختی‌آفرین میان پیروان خود ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که پیاده‌روی اربعین فراتر از یک آئین مذهبی، به مثابه یک پدیده اجتماعی - فرهنگی، توانایی ایجاد همبستگی جهانی و ترویج ارزش‌های انسانی و دینی را دارد.

کلیدواژه‌ها: کارکردهای اجتماعی، پیاده‌روی اربعین، انسجام، انضباط، خوشبختی، حیات‌بخش.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران؛
Korosh_gholamiko@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد، شیعه‌شناسی - جامعه‌شناسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران، (نویسنده مسئول)؛
Maryam_es_88@yahoo.com

۱. مقدمه

بی‌گمان، انسان‌ها در این دنیا به دین نیاز دارند. اگرچه، عقل و تجربه بشری بسیار مفید و لازم‌اند، اما برای تأمین نیازهای بشر کافی نیستند. دین، هم در حوزه نیازهای فردی و روان‌شناختی انسان و هم در عرصه اجتماع و مناسبات انسانی و همچنین در رابطه با طبیعت کاربرد دارد. دین بعد از استقرارش، نوعی کارکرد اجتماعی دارد. در واقع، جامعه‌شناسی دین، به بررسی این کارکردهای دین در اجتماع می‌پردازد و این اثرپذیری دین از اوضاع و احوال اجتماعی و اثر گذاشتن بر این اوضاع و احوال است که مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بنابراین روشن است، دین زمانی که وارد اجتماع می‌شود، فارغ از سرمنشأش در هر مقطع و هر زمان براساس مناسبات موجود در جامعه متحول می‌گردد و اثر می‌پذیرد و اثر می‌گذارد. دورکیم با مطالعه جوامع ابتدایی، دین را بر دو عنصر اصلی بنا نهاده است؛ بخشی از آن، مناسک و بخشی دیگر، عقاید و باورهای دینی است. اما عقاید و باورها، ویژگی‌هایی دارد که جهان را به دو دسته امور مقدس و غیر مقدس تقسیم می‌کند. بر این اساس، دین همان امور مقدس است. از نظر دورکیم، کارکرد دین در چهاربخش عمده است؛ انضباط بخشی، انسجام بخشی، حیات بخشی و خوشبختی بخشی. آئین‌ها و مناسک مذهبی از طریق تحمیل انضباط بر نفس و قدرت خویشتن‌داری فرد، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازد. درباره کارکردهای انسجام بخشی، مهم‌ترین عبادات، عبادات جمعی است. عبادات فردی کارکرد انسجام بخشی بالایی ندارد، ولی عبادات جمعی هرچه دامنه آن گسترده‌تر باشد، میزان اثرگذاری بیشتری بر انسجام بخشی دارد. نماز جمعه نسبت به نماز جماعت یک‌محل، میزان انسجام بیشتری ایجاد می‌کند؛ به همین سبب، مهم‌ترین مراسمی که در دین اسلام وجود دارد، مراسم حج است. در سال‌های اخیر، شاهد رخداد دیگری هستیم که مختص جامعه شیعه است، ولی عظمتی مشابه حج دارد و کارکرد انسجام بخشی بالایی خواهد داشت.

مناسک و تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورد و بر این اساس، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را ابقاء و احیاء می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. جامعه‌شناسان

برای دین و پدیده‌های دینی، کارکردهای مختلفی را برشمرده‌اند. مراسم پیاده‌روی اربعین که یکی از پدیده‌های دینی است و به‌جامعه شیعی اختصاص دارد، در جهان تشیع مطرح و اصول آن در جهان تشیع پایه‌گذاری شده است.

پرسش‌های پژوهش

یکی از مکاتب مهم جامعه‌شناسی، که درباره کارکرد اجتماعی بحث کرده، مکتب کارکردگرایی است. این پژوهش تلاش دارد تا بر اساس دیدگاه دورکیم، کارکردهای این آئین فراگیر را از منظر کارکردگرایی بررسی کند.

با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که؛

- کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین چیست؟
- کارکرد انسجام‌بخش پیاده‌روی اربعین چیست؟
- کارکرد انضباط‌بخش پیاده‌روی اربعین چیست؟
- کارکرد حیات‌بخش پیاده‌روی اربعین چیست؟
- کارکرد خوشبختی‌بخش پیاده‌روی اربعین چیست؟

اهداف و ضرورت پژوهش

در سال‌های اخیر، شاهد گستردگی و جمعیت زیاد پیاده‌روی اربعین هستیم که سبب افزوده‌شدن نفوذ و گستردگی فرهنگی این پدیده می‌شود تا آنجا که با یک پدیده فراگیر فرهنگی اجتماعی مواجه‌ایم که فرهنگ خاص خود را به‌وجود آورده است. حوزه نفوذ فرهنگی این پدیده در استمرار حیات اجتماعی جهان تشیع، نقش تعیین‌کننده دارد. درباره دین، تحقیقات گوناگونی انجام شده است، ولی درباره پیاده‌روی اربعین پژوهش‌های زیادی انجام نشده است، به‌ویژه در زمینه کارکردهای مثبت آن. در دیدگاه بسیاری افراد پیاده‌روی اربعین، یک جریان اجتماعی زودگذر یا یک جریان سیاسی یا یک‌نمایش است و بر این باورند که پایگاه مردمی ندارد و هیچ کارکرد و فایده‌ای در روابط اجتماعی مردم ندارد و صرفاً یک‌نمایش تبلیغاتی بوده و تنها فایده‌اش تبلیغات

سیاسی است. این پژوهش بر آن است به این موضوع بپردازد که آیا این پدیده، صرفاً نمایش سیاسی و تبلیغاتی است و هیچ کارکرد اجتماعی ندارد یا اینکه پیاده‌روی اربعین چه کارکردهای مثبتی دارد. این پدیده با این درجه از اهمیت، به تفکر و تحلیل متناسب با خودش نیازمند است. از جمله تحلیل کارکردی برای ما در شناخت پیامدهای اجتماعی ضروری است. به همین سبب، مکتب کارکردگرایی در تحلیل این پدیده و درک بهتر از آن و کمک به استمرار هرچه بهتر آن برای ما راه گشاست.

پیشینه تحقیق

درباره پیشینه مقاله می‌توان به «پیاده‌روی اربعین، جایگاه و کارکردها» (حسینعلی عربی، ۱۳۹۸)، «محبت و هویت در آئینه نمایش جهانی اربعین» (عبدالله گیویان و محسن امین، ۱۳۹۶)، «بررسی ابعاد جامعه‌شناختی مراسم اربعین حسینی و نقش آن در تحکیم پایه‌های عقیدتی تشیع» (رضایی، ۱۳۹۶) اشاره کرد.

۲. تاریخچه و پیشینه پیاده‌روی اربعین

اربعین در لغت، به معنای چهلیم (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۳۷۳) و در اصطلاح، به بیستم ماه صفر سال ۶۱ هجری قمری، چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) و یارانش گفته می‌شود. واژه اربعین از تعبیری است که در متون دینی حدیثی و تاریخی، کاربرد بسیاری دارد و امور با این عدد و واژه تعریف و تحدید می‌شوند؛ برای نمونه، کمال عقل در چهل سالگی، آثار چهل روز اخلاص، آثار حفظ چهل حدیث، دعا برای چهل مومن، قرائت دعای عهد در چهل صبح، عدم پذیرش نماز شرابخوار تا چهل روز، گریه چهل روز زمین، آسمان و فرشتگان بر امام حسین (ع)، استحباب زیارت اربعین و اینکه قالب انبیا در چهل سالگی به مقام نبوت رسیده‌اند و میقات حضرت موسی، پس از چهل شب به‌اتمام رسید (پاک‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۳).

در نقل‌های تاریخی آمده است که تشریف برای زیارت امامان معصوم با پای پیاده در زمان حضور ائمه اطهار رایج بوده و تاکنون، سنت پیاده‌روی برای زیارت ادامه دارد.

ولی در قرن‌های مختلف اسلامی، به اقتضای حکومت‌های هر زمان، فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است؛ مثلاً در زمان متوکل عباسی، که عداوت و دشمنی زیادی به اهل بیت داشت، دستور منع زیارت امام حسین را داد و چون دید فایده‌ای ندارد، امر کرد تا قبر مطهر را خراب کنند و آب نهر علقمه را بر آن جاری کرد تا اثری از آن نماند. کسانی که قصد زیارت داشتند، تهدید می‌کرد و از طرفی، اشخاصی را معین کرد که هرکس به زیارت می‌آید، به قتل برسانند (شوشتری، ۱۳۷۴: ۳۲۸). اما در زمان حاکمان شیعی آل‌بویه و صفویه، به این سنت حسنه اقدام می‌کردند و حتی در تبلیغ آن بین شیعیان می‌کوشیدند (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۳۴).

اربعین، یکی از مناسک و آئین‌های مذهبی است که به سبب فرا ملیتی بودن، می‌تواند ظرفیت‌های بسیاری را در زمینه‌سازی تحقق امت واحد به وجود آورد. یکی از ظرفیت‌های عظیمی که در پیاده‌روی اربعین وجود دارد، این است که جمعیت و تجمع میلیونی در قالب یک‌امت به صورت کوتاه و موقت صورت‌بندی می‌شود. علت این تقسیم‌بندی این است که برای مدت زمانی کوتاه، تمام افراد از اقصی نقاط گیتی درواقع یک‌نفر هستند که به دنبال یک‌هدف و رهبری مشخص در حرکت هستند. نکته درخور توجه این است که چگونه افراد در فضای ناامنی، که گروه‌های افراطی به آن دامن زده‌اند، این گردهمایی به صورت سالم و در امنیت کامل برگزار می‌شود. از سوی دیگر، این گردهمایی ممکن است افراد با زبان‌ها و گرایش‌های مختلف با هم راه بروند، در صورتی که هیچ شناختی از هم ندارند. این حرکت، یک حرکت خود جوش حسینی بوده و یک امتی است که می‌تواند در همگرایی جهانی نقش موثری داشته باشد.

۳. دین

دین در لغت، به معنای راه و روش است که می‌توان آن را به راه و روشی بیان کرد که افراد برای زندگی خود انتخاب می‌کنند. در کاربردهای قرآنی، معنای زیادی دارد؛ از جمله جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۳۸۰-۳۸۱).

دین، مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق، احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان برای دستیابی به سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است. دین در درجه اول، انسان را از توحش حیوانی خارج و او را وارد حریم انسانی می‌کند و با پذیرش حیات انسانی و رعایت قوانین الهی و عمل به آن، از طریق وحی آسمانی در دسترس او قرار می‌گیرد. چنین انسانی که از مرحله حیوانی عبور کرده و به‌رتبه عقلانی رسیده، زمام گفتار و رفتار عقلانی شده است، در این حال، نظم و امنیت را حاکم می‌کند و به دنبال آن، عناصر و عوامل تمدن در چارچوب برنامه‌ای الهی شکل می‌گیرد. در واقع، انسان متمدن در این مفهوم، انسان الهی است که در تمام اعمال و رفتار اجتماعی و فردی خود با قانون خدا زندگی می‌کند. (جرجی زیدان، ۱۳۷۲: ۲۱۹).

کارکردهای دین از نظر دورکیم

به‌نظر دورکیم، دین دو بخش اصلی دارد؛ یکی عقاید و دیگری مناسک که آئین‌ها بر عقاید متقدم است. آئین‌ها اساسی هستند و عقاید را می‌آفرینند. به‌نظر او، اگر "جاودانگی" درباره دین وجود دارد، این است که جامعه همیشه به آئین نیاز دارد؛ یعنی "جاودانگی" به عنوان فعالیت‌های آئینی مربوط به تجدید عهد. مردم با این اعمال متذکر می‌شوند که گروه، همواره بیش از هر یک از اعضایش اهمیت دارد. برعکس عقاید قدر جاودان نیستند. در صورتی که کارکرد اجتماعی آئین‌های دینی، همیشه ثابت بوده است. محتوای فکری عقلانی عقیده دینی، همواره قابل تغییر است. عقاید نظری به عنوان "بعد نظری" دین است. عقاید ممکن است مسیحی را از یهودی و هندو متمایز کند، ولی در واقعیت، ایده‌های خاصی که آنها بیان می‌کنند، تفاوت چندانی ندارند. ایده‌ها، همواره در ادیان مختلف، حتی در یک دین در عصرهای مختلف، تغییر می‌کند، ولی نیاز به مراسم همواره باقی می‌ماند. مراسم، منبع واقعی انسجام اجتماعی است. آنها در هر جامعه ارتباط‌ها و پیوندهای واقعی هستند. آنها معنی واقعی دین را بیان می‌کنند؛ به عبارت دیگر، دورکیم معتقد است که مناسک و مراسم دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری‌اند که برای زنده نگه داشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد؛ زیرا از طریق مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می‌نماید. (ملکم همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۹).

نگرش دورکیم به دین، نگرشی کارکردگرایانه است؛ یعنی تبیینی کارکردی از دین ارائه داده است. در این نوع تبیین، به کارکرد پدیده‌ها یا نهادها توجه می‌کند؛ زیرا هر نهاد اجتماعی، در حکم پیکره واحدی است که نظم و حرکت موجود در آن، به هماهنگی در کارکرد هریک از اجزا و در کل جامعه مربوط می‌شود. دورکیم، نهاد دین را در کارکرد اجتماعی آن خلاصه می‌کند و به حقیقت دین بی‌اعتناست و در فرایند تحقیقی خود، هیچ‌گونه التزام پیشینی به نتایج حاصل از کاوش‌های عالمانه و پژوهش‌های محققانه ندارد و البته در باب منابع و ابزار کسب معرفت نیز جز با حجیت‌های معرفت‌شناسانه محدود نمی‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۱۴۲). اما در عین حال معتقد است که دین در ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی نقشی مهم دارد و از این حیث، کارکرد مثبت دارد و برای دنیای انسان‌ها سودمند است. وی درباره کارکرد مناسب می‌نویسد: «آنها برای عملکرد هستی اخلاقی ما مانند تغذیه برای حفظ زندگی جسمانی ما ضروری است؛ زیرا از طریق همین مناسب است که گروه خود را تأیید و حفظ می‌کند» (پالس، ۱۳۸۲: ۲۸۹).

در یک‌نگاه کلی از نظر دورکیم، انضباط‌بخشی، انسجام‌بخشی، حیات‌بخشی و خوشبختی‌بخشی چهار کارکرد اصلی دین است (کوزر، ۱۳۸۵: ۲۰۰) که ما به بررسی این چهار کارکرد می‌پردازیم.

انسجام‌بخشی

واژه همبستگی یا انسجام اجتماعی، با واژه‌هایی، مانند وحدت، وفاق ملی، همدلی، یکپارچگی اجتماعی، نظم اجتماعی و... هم خانواده است و همه این‌ها بر پیوند عمیق اجتماعی و وابستگی ملی و مذهبی، علایق و احساسات مشترک و کنش و واکنش‌های مورد اتفاق دلالت دارد. همبستگی اجتماعی، تعاریف گوناگونی دارد؛ همبستگی، نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی است که در آن «افراد با هم پیوند یافته و هماهنگ هستند (امیل دورکیم، ۱۳۶۹: ۷۲). همبستگی عبارت است از توافق با افرادی که در یک‌نظام اجتماعی مشارکت دارند، به‌ویژه به‌خاطر هنجارها، ارزش‌ها، عقاید و ساختارهای آن، با جامعه احساس نزدیکی می‌کنند و به‌حمایت آن وابسته هستند (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۲۳).

یکی از کارکردهای دین از نظر قرآن، همبستگی اجتماعی و دور نگه داشتن جامعه از اختلاف و کشمکش‌هاست؛ برای نمونه، شرکت در تجمع‌های مذهبی بزرگ از قبیل حج، نماز جمعه، نماز جماعت، اعیاد و شهادت‌های ائمه معصومین که همه آنها در انسجام اجتماعی تاثیر زاید الوصفی دارد. در قرآن کریم هم بر انسجام اجتماعی تأکید شده است آنجا که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳) و همگی به‌رسمان خدا [قرآن و هرگونه وسیله وحدت الهی] چنگ‌زده و پراکنده نشوید» که از جمله این ریسمان‌ها، می‌توان به‌مواردی اشاره کرد که ذکر شد. درجایی دیگر، همچنین قرآن چندین راه برای ایجاد همبستگی معرفی کرده است. قرآن پیروی از صراط مستقیم را یکی از عوامل انسجام اجتماعی معرفی نموده است. خداوند در این‌باره می‌فرماید: «وَأَنَّ صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ». (سوره انعام/ ۱۵۳).

همبستگی اجتماعی از نظر دورکیم، ویژگی‌های جامعه‌شناختی دارد. از نظر دورکیم، یکی از عناصر مهم در تشکیل یکپارچگی و هم‌بستگی اجتماعی، عمل و روابط متقابل اعضای گروه با یکدیگر است؛ یعنی در مقابل تکامل جامعه در جهت تمایز اجتماعی، فرایند کثرت‌گرایی فرهنگی ایجاد می‌شود و به‌تدریج، هر چه افراد از آزادی عمل بیشتری برای شکل دادن افکارشان برخوردار باشند، گستردگی فرهنگ مشترک شان کاهش می‌یابد.

برای به‌دست آوردن انسجام، راه‌های مختلفی وجود دارد که یکی از این راه‌ها، دین است. در عربستان زمان جاهلیت، هیچ‌گونه انسجامی وجود نداشت. هر قبیله به قبیله دیگر حمله می‌کرد. اگر انسجام وجود داشت، فقط درون قبیله‌ای بود. درواقع، ما هویتی به‌نام اعراب نداشتیم و آنها با قبیله شناخته می‌شدند. اما، دینی به‌نام اسلام آمد و توانست تمام اعراب یا تمام مردم خاورمیانه را با هم متحد و منسجم کند و تمدن عظیم اسلامی را به‌وجود آورد. درواقع، دین اسلام، تنها دینی است که توانست این اتحاد را ایجاد کند. همچنین موارد بسیار زیادی مانند نژاد، آداب و رسوم، و فرهنگ قومی و قبیله‌ای و... وجود دارد که باعث انسجام و همبستگی فقط بین خود افراد می‌شوند؛

مانند اعراب با یکدیگر یا ایرانی‌ها با هم یا آلمانی‌ها با هم. اما دین، این قابلیت را دارد که انسان‌ها را از نژاد، زبان، قومیت مختلف یا طبقات مختلف به هم وصل کند. قبلاً در اعراب، نظام طبقاتی قوی وجود داشت؛ برخی برده و برخی اشراف بودند، اما وقتی دین اسلام آمد، این نظام طبقاتی از بین رفت و بین آنها انسجام به وجود آمد. مهم نبود از چه طبقه‌ای باشید، مهم این بود که مسلمان باشید. درواقع، تنها دین است که این انسجام و همبستگی را ایجاد کرد و به تمدن عظیم اسلامی منجر شد.

انضباط بخشی

انضباط در لغت، به معنای سامان‌گرفتن، نظم و تربیت، درستی و عدم هرج و مرج است (دهخدا، ۱۳۷۷). مفهوم نظم، اندیشه چیزهایی که هر کدام در جای مطلوب است و دقیقاً مرتب‌شده به ذهن متبادر می‌سازد. بر این اساس، نظم در گروه‌های انسانی به صورت آرامش، انتظام و اطاعت معنا شده است. نظم اجتماعی از همین دیدگاه مورد نظر قرار گرفته است و به معنای اطاعت تمام اعضای یک جامعه از هنجارهای جامعه، قوانین و ارزش‌هایی که پایه و قوام جامعه است. بر این اساس از این اصطلاح، به منظور تعیین کردن مجموع نهادهای اجتماعی، که در جهت عملکرد مناسب و مطلوب حیات اجتماعی و مناسبت‌های اجتماعی به خوبی تنظیم شده‌اند، استفاده می‌کنند.

انضباط اجتماعی، به معنای تمایل یا عدم تمایل افراد به هنجارها در جامعه است. زندگی اجتماعی انسان‌ها زیر نظر حاکمیت اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی است که پیروی از این هنجارها، رکن مهم در تربیت و فرهنگ هر جامعه است.

امیل دورکیم درباره دین و نقش دین در انضباط بر این باور است که "دین" از طریق تحمیل انضباط بر اشخاص و ایجاد خویش‌داری در انسان‌ها، آنها را برای زندگی اجتماعی مهیا می‌کند. به گفته وی دین همواره، به ویژه در زمان گذشته، شیرازه جامعه بوده و وسیله‌ای است که مردم با آن از علایق شخصی خود به قصد سودرسانی به دیگران دست می‌کشیدند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۹). به عبارت دیگر، دین می‌تواند افراد اجتماع را به منظور ارائه رفتارهای منضبط و هماهنگ با یکدیگر تربیت کند.

خوشبختی بخش

واژه خوشبختی در لغت، به معنای سعادت و خوش طالعی است (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳) و اینکه انسان در زندگی خود، از بالاترین و بهترین لذت‌ها و کامیابی‌ها بهره‌مند باشد. خوشبختی، همان سعادت و رستگاری برای انسان‌هاست. خوشبختی یک‌حالت است، نه یک ویژگی و صفت. به عبارت دیگر، این یک ویژگی ماندگار یا یک‌صفت شخصیتی نیست، بلکه یک‌حالت زودگذر و قابل تغییر در انسان است.

یکی از گرایش‌های فطری انسان، میل به خوشبختی است. فطری بودن این گرایش به این معناست که ساختمان روح و روان انسان، به گونه‌ای است که قادر نیست از لذت، گریزان و به جای آن، رنج و سختی و ناراحتی را خواهان باشد. حقیقت خوشبختی انسان، لذت‌های همیشگی، دائمی، فراگیر و همه‌جانبه اوست. دین، نه تنها وجود این تمایلات را در انسان انکار و محکوم نمی‌کند، بلکه برخی از تعالیم، خود را بر اساس این میل طبیعی در انسان ایجاد می‌کند.

دین برای انسان، دو نوع زندگی تعریف کرده است؛ زندگی اُخروی و زندگی دنیوی. بر این اساس، هم به خوشبختی انسان در آخرت و هم به خوشبختی او در زندگی دنیوی و اجتماعی توجه بسیار دارد. بنابراین، آموزه‌های دین برای رسیدن به خوشبختی، دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. دین برای خوشبختی انسان در زندگی اجتماعی دستورهای مشخص کرده است و از انسان می‌خواهد برای بهبود زندگی اجتماعی خود، از آنها بهره گیرد.

اسلام، به انسان هشدار داده است که زندگی وی به زندگی دنیا و لذت‌ها و رنج‌های دنیوی منحصر نیست؛ بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در نظر گرفته شده و این آدمی است که می‌تواند زندگی زودگذر و فانی را انتخاب کند، یا سعادت جاودانه و همیشگی را.

دین، به معنای پابندی به مجموعه‌ای از باورها و بایدها و نبایدهای منطقی و عقلانی که اصل آن مبتنی بر ویژگی‌ها و نیازهای فطری انسان است؛ خود، اصلی‌ترین عامل تأمین بهداشت روانی و احساس خود شکوفایی و خود ارزشمندی است و در نتیجه،

عامل احساس خوشبختی در خود فرد است. پایبندی به ارزش‌های الهی و باید‌ها و نبایدهای فطری و منطقی و عقلانی آموزه‌های دینی، تأمین‌گر سلامت روان و بهداشت ذهن و احساس خود شکوفایی همه انسان‌های خردورز و خردمند در تمام امور است. خوشبختی‌بخش، مخالف پوچ‌گرایی است. پوچ‌گرایی زمانی به وجود می‌آید که ما به جهان پس از مرگ اعتقاد نداشته باشیم و اعتقاد داشته باشیم که با مرگ همه چیز از بین می‌رود؛ اما وقتی اعتقاد داشته باشیم که یک جهان پس از مرگ وجود دارد و با مردن، ما از بین نمی‌رویم و از یک جهان به جهان دیگر انتقال پیدا می‌کنیم و با بسیاری از ناعدالتی‌ها ناراحت می‌شویم، ولی اعتقاد به اینکه یک جهان دیگر وجود دارد، حس خوبی به ما می‌دهد. اما وقتی اعتقاد به اینکه انسان با مرگ تمام می‌شود و بعد از مرگ، جهانی وجود نداشته باشد، خطرناک است و به انسان حس پوچی می‌دهد و این حس به پوچ‌گرایی منجر می‌شود. بهترین راهکاری که وجود دارد و از این حس جلوگیری می‌کند، این است که به جهان پس از مرگ اعتقاد داشته باشیم و اینکه بعد از مرگ تمام نمی‌شویم، بلکه به جهان دیگر انتقال پیدا می‌کنیم و زندگی تداوم دارد و تداوم داشتن زندگی، باعث از بین رفتن حس پوچ‌گرایی می‌شود. اما، دین به بهترین شکل ممکن این کار را انجام می‌دهد. هیچ‌نهاد و پدیده دیگری در دنیا نمی‌تواند این حس پوچ‌گرایی را به خوبی دین از بین ببرد؛ به همین سبب، بین دیندارها حس پوچ‌گرایی کمتر است. امید به زندگی در بین دیندارها بیشتر است و از افسردگی جلوگیری می‌کند.

حیات بخش

واژه حیات در لغت به معنای عمر، زیست و زنده شدن است که در مقابل آن، موت و ممات (مردن) به کار رفته است.

واژه حیات در قرآن به چند صورت به کار رفته است. برخی کاربردهای آن با مفهوم لغوی واژه، انطباق دارد؛ از جمله مَحْيَا "زندگی من"، (انعام، سوره ۶ آیه ۱۶۲) أَحْيَاء "زندگان" (مرسلات سوره ۷۷ آیه ۲۶) و يَسْتَحْيُونَ "زنده نگه می‌داشتند" (بقره، سوره ۲، آیه ۱۶۴) که مراد از آن، رویدن گیاهان در زمین است. از سوی دیگر، در آیات دیگر به

اصلاح نظر آدمیان دربارهٔ حیات با بیان ابعاد جدیدی از آن و عمق بخشیدن به مفهوم حیات به عنوان نعمتی الهی، توجه شده است. بر این اساس در قرآن کریم حیات، مفهومی بالاتر از تحرکات بدنی و فعالیت‌های روزمرهٔ زندگی را در بردارد؛ از جمله در آیات ۱۲۲ سورهٔ انعام و ۲۴ سورهٔ انفال، که بنابر نظر مفسران، پیروی از حق و ایمان به خدا عاملی حیات‌بخش است که موجب هدایت انسان (زنده شدن وی) می‌شود.

دربارهٔ حیات‌بخشی می‌توانیم این مثال را بزنیم که وقتی حضرت محمد ﷺ رحلت نموده‌اند، دین اسلام حیات داشت و با رحلت پیامبر از بین نرفت؛ چون به حضرت علی ﷺ و فاطمه زهرا (س) یاد داده بود. وقتی صحابهٔ اول از دنیا رفت، دین از بین نرفت؛ چون به فرزندان خود یاد داده بود و فرزندان آنها به فرزندان خود یاد دادند. درواقع، دین حیات دارد؛ زیرا قواعد و اصول خود را به جامعهٔ بعدی انتقال می‌دهد که این از طریق جامعه‌پذیری دینی است. حیات‌بخشی، یعنی مفاهیم دینی را به نسل بعدی انتقال دهیم که این مفاهیم از بین نرود و ماندگار باشد و این کار از طریق جامعه‌پذیری دینی است. مفهوم عام جامعه‌پذیری و بخش‌های آن مانند جامعه‌پذیری دینی از نظر اندیشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان، نوعی راهبرد برای حفظ انسجام اجتماعی و وحدت گروهی تلقی می‌شود.

برای نمونه، کارولاین پلوس (۲۰۰۷) تأکید می‌کند که یک جامعه یا گروه معین از راهبرد جامعه‌پذیری استفاده می‌کند تا مفاهیم خود را به تازه‌واردان منتقل کند و بدین ترتیب، جامعه اطمینان خاطر حاصل می‌کند که رفتار این تازه‌واردان، انسجام اجتماعی و وحدت گروهی را به مخاطره نخواهد انداخت. جامعه‌شناس برجسته پیتربرگر (۱۹۶۷)، نیز بر اهمیت راهبرد جامعه‌پذیری تأکید می‌کند؛ زیرا به عقیدهٔ او، جهان معاصر در سیطرهٔ گروه‌های قدرتمندی است که برای تصاحب فرآیندهای جامعه‌پذیری با همدیگر رقابت می‌کنند. به علاوه، جامعه‌پذیری دینی نیز همچون مفهوم کلی و عام جامعه‌پذیری، یک فرآیند مستمر آموزش و یادگیری است با این تفاوت که، این یادگیری به یک جهان دینی و فضای مقدس معطوف است؛ برای نمونه، انسان‌ها به تدریج یک زبان دینی را فرا می‌گیرند که آنان را قادر می‌سازد تا مفاهیم ویژه‌ای همچون خدا را درک کنند، آنان یاد

می‌گیرند که مکان‌های ویژه و مقدسی (مانند مسجد) وجود دارند که با مکان‌های دیگر، مانند خانه تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که کتاب‌های ویژه و مقدسی (مانند قرآن) وجود دارند که با کتاب‌های دیگر تفاوت دارند، آنان یاد می‌گیرند که انسان‌های ویژه و مقدسی (مانند پیامبران و امامان) وجود دارند که با انسان‌های معمولی تفاوت دارند؛ به همین سبب اینسکیپ (۱۹۸۸)، جامعه‌پذیری هویت دینی را فرآیند آموزش و یادگیری تلقی می‌کند که از طریق آن انسان‌ها می‌آموزند، جهان را به شیوه‌ای متفاوت نگاه کنند: "به مثابه یک جهان سرشار از معانی و دلالت‌های دینی". بر همین اساس، برخی دیگر از اندیشمندان مانند کورنوال (۱۹۸۷) نیز موضوع جامعه‌پذیری دینی را در این تعریف کوتاه خلاصه کرده است که جامعه‌پذیری دینی عبارت است از "پایه‌های اجتماعی دین". با وجود این، ریشه‌های اجتماعی دین در تحقیق کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی دین تحت عنوان "صور اولیه حیات دینی" از سوی امیل دورکیم مورد مطالعه و تأکید قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. حجم نمونه ۱۰۰ نفر محاسبه شد که از میان جامعه آماری پژوهش (کلیه افراد بین ۲۰ سال تا ۶۵ سال) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. متغیرهای مستقل این پژوهش، سن، تحصیلات، شغل، زبان مادری، طبقه اجتماعی، محل تولد، میزان مذهبی بودن، اوقات فراغت و جنسیت و متغیرهای وابسته انسجام‌بخش، انضباط‌بخش، خوشبختی‌بخش، حیات‌بخش است. برای تعیین اعتبار تحقیق، از روش اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت که پرسش‌نامه پس از طراحی، در اختیار استادان و متخصصان قرار گرفت تا نظر خود را اعلام کنند. همچنین برای سنجش پایایی ابزار، از روش آلفای گرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای هریک از مفاهیم انسجام‌بخش، ۸۸۳، انضباط‌بخش، ۵۵۶، خوشبختی‌بخش، ۸۸۶ و حیات‌بخش، ۸۰۳ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دو روش‌های آماری شامل، آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. پس از تکمیل پرسش‌نامه و کدگذاری آن‌ها، کدها به رایانه انتقال داده و

اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS، تجزیه و تحلیل شده است.

۵. یافته‌ها

پیاده‌روی اربعین، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان، نقشی مهم در ایجاد همبستگی میان افراد و گروه‌های مختلف ایفا می‌کند. این آئین، مرزهای نژادی، زبانی، قومی و طبقاتی را از میان برمی‌دارد و با ایجاد هدفی مشترک (زیارت امام حسین علیه السلام) افراد را به وحدت و انسجام اجتماعی می‌رساند. همان‌طور که دورکیم براهمیت مراسم جمعی در انسجام اجتماعی تأکید دارد، پیاده‌روی اربعین نیز با گردهم‌آوردن میلیون‌ها زائر، انسجام و همبستگی دینی و اجتماعی را تقویت می‌کند. پیاده‌روی اربعین، نوعی انضباط اجتماعی و اخلاقی را در شرکت‌کنندگان نهادینه می‌کند. زائران در این مسیر با رعایت اصولی، چون صبر، بردباری، کمک به دیگران و احترام متقابل و الگوهای رفتاری منضبط را تجربه می‌کنند. این انضباط، به ویژه در رویارویی با مشکلات و سختی‌های مسیر، نمود پیدا می‌کند و به افراد کمک می‌کند که خودکنترلی و خویشتن‌داری را تقویت کنند. این آئین مذهبی با احیای فرهنگ عاشورا و ارزش‌های اخلاقی، مانند ایثار، عدالت و مقاومت در برابر ظلم، نوعی حیات معنوی و فرهنگی به جامعه می‌بخشد. پیاده‌روی اربعین، نه تنها ارزش‌های مشترک شیعه را تقویت می‌کند، بلکه باعث استمرار هویت مذهبی و فرهنگی در میان نسل‌های مختلف می‌شود. پیاده‌روی اربعین، حس خوشبختی معنوی را در زائران ایجاد می‌کند. ارتباط نزدیک با دیگران، تجربه آرامش معنوی در زیارت و حس رهایی از مشکلات دنیوی در این سفر معنوی، زائران را به شادی و رضایت‌مندی درونی می‌رساند. این حس خوشبختی، زودگذر نیست، بلکه اثرات طولانی مدتی بر تقویت روحیه معنوی افراد دارد. یکی از ویژگی‌های بارز این آئین، برگزاری امن آن در فضای اجتماعی پرتنش خاورمیانه است. با وجود تهدیدات مختلف، این گردهمایی به صورت منظم و با آرامش برگزار می‌شود که نشان‌دهنده قابلیت دین در ایجاد امنیت و آرامش در جامعه است. پیاده‌روی اربعین به عنوان پدیده‌ای فراملیتی، فرصت‌هایی برای تعامل میان ملت‌ها و ادیان مختلف فراهم



می‌کند. این آئین با معرفی فرهنگ تشیع و ارزش‌های آن، به‌گسترش دیپلماسی فرهنگی و ایجاد تصویر مثبت از امت اسلامی کمک می‌کند. پیاده‌روی اربعین از منظر کارکردگرایی دورکیمی، پدیده‌ای چندبعدی است که در زمینه‌های انسجام‌بخشی، انضباط‌بخشی، حیات‌بخشی و خوشبختی‌بخشی، نقش مؤثری ایفا می‌کند. این مراسم علاوه بر تأثیرات معنوی، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارد که در تقویت همبستگی اجتماعی و انتقال ارزش‌های دینی به‌نسل‌های آینده نمایان است.

۶. نتیجه

اصلی‌ترین عامل پویایی شیعیان و یکی از مهم‌ترین عناصر حیاتی فرهنگ مذهب شیعه، وجود قیام امام حسین (ع) و حماسه بزرگ عاشورا است. مراسم اربعین حسینی، به‌عنوان یک پدیده بزرگ دینی در جهان اسلام در ۱۴ قرن گذشته، همواره محور ماندگاری نهضت عاشورا و گفتمان امام حسین (ع) بوده است. شرکت زائران حسینی در مراسم پیاده‌روی این آیین هر ساله، جلوه‌ای از معنویت، فرهنگ، سیاست و اجتماع آنان است. درواقع، شیعیان در این مراسم عظیم از یک‌سو، موجودیت خود را در ابعاد مختلف به‌جهانیان نشان می‌دهند و از سوی دیگر، حضور خود زائران در این مراسم، باعث‌پذیری و اثرگذاری متقابل آنها می‌شود. در این پژوهش، کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین را از چهار منظر انسجام‌بخش، انضباط‌بخش، خوشبختی‌بخش، حیات‌بخش بررسی کردیم. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه انجام شده و حجم نمونه ۱۰۰ نفر محاسبه شد. میانگین کارکرد اجتماعی پیاده‌روی اربعین در بخش انسجام، ۲۱,۰۶۰۰ از ۳۳ به‌دست آمده است که می‌توان کارکرد انسجام‌بخش پیاده‌روی اربعین را بالا ارزیابی نمود. همچنین، کارکرد اجتماعی پیاده‌روی اربعین در بخش انضباط، ۲۷,۵۱۰۰ از ۶۸ به‌دست آمده است که تقریباً این نوع کارکرد پیاده‌روی اربعین را می‌توان تاحدودی متوسط ارزیابی کرد. میانگین کارکرد اجتماعی پیاده‌روی اربعین در بخش خوشبختی، ۲۴,۹۳۰۰ از ۵۱ به‌دست آمده است که تقریباً این نوع کارکرد پیاده‌روی اربعین را می‌توان تاحدودی متوسط ارزیابی کرد. درنهایت

میانگین کارکرد اجتماعی پیاده‌روی اربعین در بخش حیات‌بخشی، ۳۲،۲۷۰۰ از ۹۶ به‌دست آمده است که در این بعد از کارکردهای اجتماعی، عزاداری هم وضعیت پایینی گزارش شده است.

پژوهش حاضر، نشان داد که بین جنسیت و کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین رابطه معناداری وجود ندارد. در بخش سن، رابطه معناداری وجود ندارد. رابطه بین انضباط، انسجام و سن، رابطه معناداری نیست. اما در بخش خوشبختی‌بخش و حیات‌بخش، رابطه معناداری وجود دارد. در بخش تاهل، رابطه معناداری وجود دارد. در بخش انسجام، میانگین مجردها از متاهلین بیشتر است و بر اساس سطح معناداری، رابطه معناداری وجود دارد. در بخش انضباط، میانگین هردو مردان و زنان برابر است و رابطه معناداری وجود دارد. در بخش خوشبختی‌بخش، میانگین مجردها بیشتر از متاهلین است و رابطه معناداری وجود دارد و برای مجردها و خوشبختی‌بخش و معنویت مهم بوده است. در بخش حیات‌بخش، میانگین مجردها و متاهلین یکسان است و رابطه معناداری وجود دارد. در بخش گروه‌های تحصیلی، رابطه معناداری وجود دارد. در بخش انسجام و تحصیلات، رابطه معنادار است و انسجام و همبستگی برای تحصیل‌کرده‌ها مهم است. در بخش انضباط و تحصیلات، رابطه معنادار است؛ چرا که انضباط برای تحصیل‌کرده‌ها مهم است و در بخش حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش، رابطه معنادار است. رابطه بین کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین و زبان مادری، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین انسجام و زبان، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین انضباط و زبان، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین خوشبختی‌بخش و زبان، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین حیات‌بخش و زبان، رابطه معناداری وجود ندارد. رابطه بین کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین و طبقات اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد. فرقی ندارد از کدام گروه اجتماعی باشد؛ اما انسجام، انضباط، خوشبختی‌بخش و حیات‌بخش برای آنها مهم است. رابطه بین کارکردهای اجتماعی پیاده‌روی اربعین و با میزان مذهبی‌بودن، رابطه معناداری وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۸)، «پیام اربعین در زیارت اربعین»، مبلغان، شماره ۱۲۴.
- پالس، دانیل (۱۳۸۲)، هفت نظریه در باب دی، ترجمه و نقد محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جرجی زیدان (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلامی، تهران، نشر امیر کبیر.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷)، ترجمه، باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رضایی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «بررسی ابعاد جامعه‌شناختی مراسم اربعین حسینی و نقش آن در تحکیم پایه‌های عقیدتی تشیع»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی استان مرکزی.
- شوشتری، جعفر (۱۳۷۴)، خصائص الحسینیة، ترجمه محمدحسین شهرستانی، قم، دارالکتاب.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰)، دین جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز.
- عربی، حسینعلی (۱۳۹۸)، «پیاده‌روی اربعین حسینی، جایگاه و کارکردها»، معرفت، شماره ۲۶۲.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- گیویان، عبدالله و محسن امین (۱۳۹۶)، «محبت و هویت در آئینه نمایش جهانی»، دین و ارتباطات، سال ۲۴، شماره ۲ (پیاپی ۵۲).
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸)، تاریخ تشیع، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، موسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا.
- یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۸۳)، عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان، موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی